

Providing a Model with a Network Approach to Entrepreneurship Policy

*Fattah Sharifzadeh¹, Atiyeh Sadat Hagi², Davoud Hoseinpoor³,
Mohammad Mirmohammadi⁴

1-Professor at faculty of management and accounting, Email: sharifzadeh_f@atu.ac.ir. (Corresponding Author)

2- PhD candidate at faculty of management and accounting Allameh Tabataba'i University

3- Professor at faculty of management and accounting, Allameh Tabataba'i University

4- Professor at faculty of management and accounting, Allameh Tabataba'i University

Received: 19/05/2018; Accepted: 11/09/2018

Abstract

The purpose of the research is to validate and design a suitable model for networking in the field of entrepreneurship. The research tool was in the qualitative section, interview and in the quantitative part of the questionnaire. Data analysis was done in the qualitative section through theme analysis, and in the quantitative part of the structural equations. After designing the original model, the research questionnaire with dimensions was distributed among 240 experts and managers of the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare. Finally, 31 components were identified in four dimensions: necessity, structural, behavioral and background. Therefore, it seems necessary for the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare to focus on the role and importance of these factors in entrepreneurship policy development, in order to develop the field of entrepreneurship, and to replace the network thinking in policy making with hierarchical thinking.

Introduction

Entrepreneurship is an area where interdependencies are very high, and the establishment of collaborative relationships such as networks in it is more of a management imperative than is desirable. Therefore, a network approach in the entrepreneurial policy-making process, which leads to the involvement of key stakeholders and entrepreneurs and the acquisition of legitimacy for policies developed in this area, is among the mechanisms that potentially improve the policy process in Entrepreneurship is effective. The purpose of the research is to

design, validate and design a suitable model for networking in the field of entrepreneurship.

Case study

Data analysis was done in the qualitative section through theme analysis, and in the quantitative part of the structural equations. After designing the original model, the research questionnaire with dimensions was distributed among 240 experts and managers of the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare.

Materials and Methods

Reliability of the questionnaire was verified using Cronbach's Alpha and Composite Reliability (CR), and its validity was confirmed by Convergent Validity and Convergent Validity (AVE) methods. Finally, 31 components were identified in four dimensions: necessity, structural, behavioral and background. Therefore, it seems necessary for the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare to focus on the role and importance of these factors in entrepreneurship policy development, in order to develop the field of entrepreneurship, and to replace the network thinking in policy making with hierarchical thinking.

Discussion and Results

Among the components gathered for the structural dimension of the entrepreneurial policy network, respectively, the power of the policy-making system in empowering the network actors and the degree of concentration / decentralization in the structure of the policy-making system had the greatest impact on network performance. The organizational status of network actors was not recognized as an important and influential factor in the network performance of the entrepreneurial policy. Thus, it can be said that some actors have more power and influence than any other player for reasons such as personality traits or knowledge and expertise in a particular field. They are within the network and their views are confronted with acceptance from the network members.

Conclusion

In conclusion, with regard to the capabilities of the private sector (stakeholders and actors in the field of entrepreneurship) in the field of expert and experimental knowledge, it is suggested that the comments and experiences of this section in the policy development process and identifying the problems and methods of facilitating the startup processes, to be used. In this way, policy making in the field of entrepreneurship (N8) and socio-political legitimacy (N5) is more likely to be achieved through the use of entrepreneurship policy network.

Key Words: Policy Making, Network Approach, Entrepreneurship, Model

ارائه مدلی با رویکرد شبکه‌ای به خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی

دکتر فتاح شریف زاده* – عطیه سادات حقی** – دکتر داوود حسین پور*** –

دکتر سید محمد میر محمدی****

چکیده

هدف از انجام پژوهش، طراحی و اعتبارسنجی مدل مناسب برای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه کارآفرینی است. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روشی توصیفی و همبستگی است. ابزار تحقیق در بخش کیفی، مصاحبه و در بخش کمی پرسشنامه بود. تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از طریق تحلیل تم و در بخش کمی از معادلات ساختاری انجام گرفت. پس از ترسیم مدل اولیه، پرسشنامه تحقیق به همراه ابعاد مشخص شده بین ۲۴۰ نفر از کارشناسان و مدیران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، توزیع شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش‌های محاسبه آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب (CR) تأیید شده و روایی آن نیز با روش‌های روایی محتوا و روایی همگرا (AVE) تأیید شد. در نهایت، ۳۱ مؤلفه در چهار بعد ضرورت، ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای شناسایی شد؛ بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به‌منظور توسعه حوزه کارآفرینی، در سیاست‌گذاری‌های کارآفرینی به نقش و اهمیت این عوامل توجه نموده و تفکر شبکه‌ای در سیاست‌گذاری را جایگزین تفکر سلسله‌مراتبی نماید.

واژه‌های کلیدی: خط‌مشی عمومی، خط‌مشی‌گذاری، رویکرد شبکه‌ای، کارآفرینی، مدل

نویسنده مسوول - استاد دانشگاه علامه طباطبائی sharifzadeh_f@atu.ac.ir

** دانشجوی دکترا دانشگاه علامه طباطبائی

*** استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

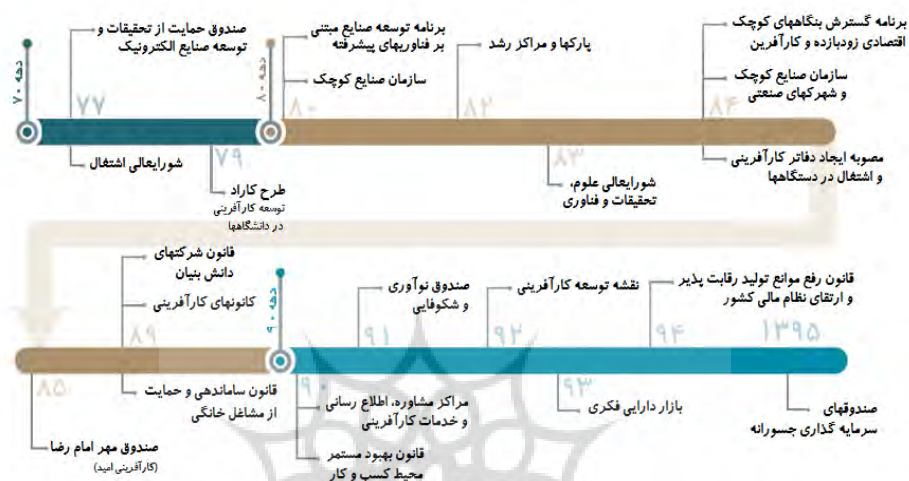
**** استاد عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

توسعه اقتصادی عبارت از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی، فیزیکی، انسانی و اجتماعی است. هدف از توسعه اقتصادی افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ایجاد اشتغال است. روند توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است، به‌گونه‌ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته نقش محوری دارند (OECD, 2017). در دهه‌های اخیر دولت‌ها به‌طور جدی کارآفرینی را تشویق کرده‌اند. دولت‌ها با تدوین راهبردها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عملی به‌منظور گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه، آموزش و مشاوره، ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت کارآفرینان در عرصه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی، رفع موانع، ایجاد ارتباط و همکاری بین آن‌ها و تسهیل دستیابی آنان به بازارهای جهانی در فراهم ساختن شرایط و تسهیلات لازم برای شروع فعالیت کارآفرینان نقش مؤثری در توسعه کارآفرینی ایفا می‌کنند (Lundström et al., 2017).

توجه خط‌مشی‌گذاران به مقوله کارآفرینی در ایران، عمری کوتاه (کمی بیش از یک دهه) دارد. بدیهی است در این مدت کوتاه، ابزارها و خط‌مشی‌های توسعه کارآفرینی آن‌گونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته‌اند و محدود هستند. این در حالی است که مطابق با گزارش ۲۰۱۸ شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) اکوسیستم کارآفرینی ایران ضعیف است. امتیاز کلی کارآفرینی ایران در این شاخص تنها ۲۶٫۸ است و در میان ۱۵ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که در گزارش یادشده بررسی شده‌اند، ایران رتبه ۱۴ را دارا است (GEI, 2018). لذا نیازمند طراحی خط‌مشی‌ها و پیاده‌سازی برنامه‌های مناسب و توجه جدی به مقوله کارآفرینی و پایش آن در کشور هستیم. توجه به آموزش‌های کارآفرینی از نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی آغاز شد، هرچند اهمیت کارآفرینی عمدتاً به‌عنوان خوداشتغالی درک شده بود. در حال حاضر نهادهای متعددی در ایران به صورت‌بندی خط‌مشی کارآفرینی از منظرهای مختلف می‌پردازند: وزارت صنایع و معادن (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی) تمرکز بر SME ها دارد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری تمرکز بر نظام ملی نوآوری دارند، نهادهای حمایتی نظیر سازمان بهزیستی و کمیته امداد بر جنبه خوداشتغالی و پتانسیل کارآفرینی در کاهش فقر تکیه دارند و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مجموعه‌ای از هر سه را به‌طور غیر هماهنگ دنبال می‌کند. نمودار ۱ به برخی از خط‌مشی‌های مؤثر بر انواع کارآفرینی در کشور از دهه

۷۰ تاکنون اشاره دارد (*Monitoring and Improving Iran's Entrepreneurship System*, 2016: 60).



نمودار ۱: روند پراکنده خط‌مشی‌های کارآفرینی ایران از دهه ۷۰ تا به حال

همان‌طور که اشاره شد، یکی از نارسایی‌های عمده خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی این است که اگرچه یکی از متولیان اصلی این امر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هست، ولی نهادها و مؤسسات دولتی و غیردولتی مختلف دیگری نیز در این حوزه در سطح کشور مشغول به فعالیت هستند و علی‌رغم اینکه همه آن‌ها به‌نوعی در فرایندهای مدیریتی یا عملیاتی کارآفرینی درگیر هستند، به دلیل وابستگی به سازمان‌ها و مراجع مختلف در تعامل و ارتباط با یکدیگر قرار ندارند و در نتیجه، خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوتی از سوی مراجع بر آن‌ها اعمال می‌شود.

به این ترتیب تقریباً هر یک از نهادها و مراجع فوق بدون هیچ‌گونه ارتباط منطقی، خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوتی را مورد توجه قرار می‌دهند که نتیجه آن موازی‌کاری و یا بخشی‌نگری در خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها برای توسعه کارآفرینی می‌شود. بنابراین، یک شبکه خط‌مشی‌گذاری که بتواند خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌های واحد و هدفمندی را در تعیین‌کننده و سرلوحه تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌های کارآفرینی قرار دهد، هنوز شکل نگرفته است. از طرفی بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در کشور که به مقوله خط‌مشی توسعه کارآفرینی پرداخته‌اند، از دیدگاه سنتی خط‌مشی‌گذاری یعنی خط‌مشی-

گذاری سلسله مراتبی سعی در ارائه راه‌حل داشته‌اند، اما الگویی مبنی بر رویکرد شبکه‌ای و بازیگران تأثیرگذار در زمینه خطمشی گذاری کارآفرینی ارائه نشده است تا بتواند زمینه را برای مشارکت دادن افراد، گروه‌ها و سازمان‌های ذی‌نفع در این فرآیند فراهم آورد و منفعت عامه (کارآفرینان) را در این راستا مدنظر داشته باشد. در بخش راهکارهای پیشنهادی گزارش معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال^۱ (*ibid*, 2016: 60) بر لزوم هماهنگی بین نهادهای مؤثر و همسوسازی خطمشی‌ها و همچنین "شبکه‌ای از اکوسیستم‌های منطقه‌ای کارآفرینی" و وجود یک دستگاه متولی جهت هماهنگ‌سازی تلاش‌ها برای بهبود نظام کارآفرینی و هماهنگی بین نهادهای مؤثر و همسوسازی خطمشی‌ها امری گریزناپذیر معرفی شده است. بر این اساس، ضروری است همگام با تجربیات سایر کشورها و به‌منظور پاسخگویی مؤثر به چالش‌های کنونی موجود در حوزه خطمشی گذاری کارآفرینی گام‌های لازم برای حرکت به سمت ایجاد، استقرار و نهادینه‌سازی نظام خطمشی گذاری شبکه‌ای^۲ در حوزه کارآفرینی برداشته شود. به این ترتیب پژوهش حاضر درصدد است تا الگوی بومی خطمشی گذاری شبکه‌ای را در جهت توسعه و تسهیل خطمشی گذاری برای کارآفرینی ارائه نماید. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: ابعاد و مؤلفه‌های تعیین‌کننده مدل خطمشی گذاری شبکه‌ای کارآفرینی کدام‌اند؟

مبانی نظری

نقش خطمشی‌های دولت در توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غیرقابل‌انکار است و خطمشی‌گذاران کشور سعی در تدوین خطمشی‌های پیشرو و اثرگذار برایان دارند. رویکردهای سنتی خطنگاری دولتی بر این فرض مبتنی هستند که فرآیندهای خطمشی‌گذاری می‌بایست متمرکز و سلسله‌مراتبی باشند. این دیدگاه‌ها با نیازهای رو به رشد حکومت‌های پیشرفته و بخش بخش شده امروزی به مشارکت دادن افراد، گروه‌ها و سازمان‌های ذی‌نفع در فرآیند خطمشی‌گذاری، در تعارض است و چالش‌های جدی و مهمی را فراروی مدیریت دولتی قرار داده و شرایطی را فراهم آورده که پاسخگویی به نیازهای امروز با اتکا به رویکردهای سنتی و متعارف گذشته امکان‌پذیر نبوده و صاحب‌نظران را در همه حوزه‌ها از جمله مدیریت دولتی به تفکر پیرامون رویکردهای نوین و

۱- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال دفتر توسعه کارآفرینی، پاییز ۹۵

رویکردهای جدید وارد نموده است. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از: ضرورت تغییر در ساختارهای خط‌مشی‌گذاری: (پاسخ‌گو نبودن سیستم خط‌مشی‌گذاری سلسله‌مراتبی). با گسترش شبکه‌های ارتباطی به کمک فناوری ارتباطات و اطلاعات، بدین ترتیب سلسله‌مراتب هماهنگ‌کننده و ناظر حذف می‌شود و تحولی عظیم در سازمان‌دهی سازمان‌ها ایجاد می‌شود، از جمله می‌توان به ایجاد سازمان‌های بدون کاغذ اشاره نمود (Alvani, 2001: 281). از آنجایی‌که ساختارهای سلسله‌مراتبی و بازار نمی‌توانند رهنمودهای مناسبی برای موفقیت سازمان در مسیر اهداف خود داشته باشند، لذا توجه به ذینفعان و مشارکت آن‌ها از طریق حاکمیت شبکه‌ای، به‌عنوان روش مناسب و جایگزین معرفی شده است (Chaiton et al, 2002; Borg et al, 2015). به‌منظور نیل به این هدف می‌توان الگوهای ساختاری دولت را تغییر داده و نگرش‌های غیر سلسله‌مراتبی و گروهی را جایگزین شیوه‌های ناکارآمد مبتنی بر سلسله‌مراتب نمود. در نتیجه مدیریت دولتی باید زندگی در شبکه‌های داخلی و جهانی را تجربه کند و دیدگاه سلسله‌مراتبی را به فراموش بسپارد. لذا به نظر می‌رسد تفکر سلسله‌مراتبی باید جای خود را به تفکر شبکه‌ای داده و مدیریت دولتی نیز باید نحوه اداره این شبکه‌ها را بیاموزد و خود را عنصر فعالی در شبکه‌ها بداند (Alvani, 2006; Sharifzadeh & Kamali, 2008). فردریک سون (Frederickson, 1997: 84-5) نیز با طرح ضرورت رویکرد جدیدی نسبت به سازمان‌های دولتی مطرح نموده است که ضرورت "پایانی بر سلسله‌مراتب" برای رقابت الزامی باشد. امروزه روندهای کنونی سازمان‌ها نیز نشان می‌دهد که حرکت به‌طرف دستگاه‌های کمتر سلسله‌مراتبی و بیشتر همکاری‌گونه در حال وقوع است. مطالعاتی که در ارتباط با شبکه‌ها در سطح دنیا انجام شده، بیشتر به بررسی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم و متقابل بین ساختار شبکه (خلاءهای ساختاری و تمرکز تصمیمات) با سرمایه اجتماعی شبکه و مدیریت شبکه که به نحوی در عملکرد شبکه‌های خط‌مشی سازمان‌ها مؤثر واقع می‌شوند پرداخته‌اند (Whitall, 2012 ; Provan & Milward, 1995; Fischer, 2013). سایر عوامل دال بر ضرورت تغییر در ساختارهای خط‌مشی‌گذاری در ادامه آمده است.

جدول ۱: عوامل مؤثر بر ضرورت استقرار شبکه‌های خطمشی: مستخرج از ادبیات تحقیق

منبع و مرجع: مستخرج از ادبیات تحقیق در موضوع شبکه‌های خطمشی	مؤلفه‌ها	سازه
<ul style="list-style-type: none"> • تأکید بر لزوم هماهنگی بین نهادهای مؤثر و همسوسازی خطمشی‌ها و همچنین "شبکه‌ای از اکوسیستم‌های منطقه‌ای کارآفرینی" و وجود یک دستگاه متولی جهت هماهنگ‌سازی تلاش‌ها برای بهبود نظام کارآفرینی و هماهنگی بین نهادهای مؤثر و همسوسازی خطمشی‌ها امری گریزناپذیر معرفی شده است (<i>Monitoring and Improving Iran's Entrepreneurship System, 2016</i>) 	<p>- روند پراکنده خطمشی‌های کارآفرینی ایران از دهه ۷۰ تا به حال</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • سازمان‌ها به این دلیل به شبکه می‌پیوندند که شبکه‌ها آن‌ها را قادر به مقابله با مسائل و مشکلات کلان و پیچیده می‌نمایند (<i>Yi, 2012</i>) • پیدایش حوزه‌های موضوعی پیچیده و به هم مرتبط، ضرورت ایجاد دگرگونی در نظام‌های سنتی خطمشی گذاری را گوشزد می‌نماید (<i>Ra'naee, 2006</i>) • پاسخ مؤثر به مسائل پیچیده نظیر نابرابری، بیکاری، تبعیض و نظایر آن مستلزم یک رویکرد بین بخشی است که در آن دولت از طریق همکاری با بخش سوم و نهادهای مدنی به تدوین خطمشی‌های مناسب بپردازد (<i>Whitall, 2007</i>) • شبکه‌های خطمشی گذاری به عنوان شیوه‌ای برای یکپارچه‌سازی و ایجاد اتحاد بین بازیگران مختلف و نیز مکانیزمی برای برخورد با مسائل و مشکلاتی که با ابزارها و شیوه‌های رسمی و ترتیبات نهادی موجود نمی‌توان به مقابله با آن‌ها پرداخت مورد توجه قرار گرفته‌اند (<i>Kenis, 2003, 3</i>) • شبکه‌های خطمشی، الگوی موفق است که موفقیت آن تا حدی ناشی از پیچیدگی فزاینده مسائل خطمشی گذاری در جوامع مدرن امروزی است (<i>Jakobi, 2009</i>) • شبکه‌ها تنها شکل حکومت‌داری است که قادر به برخورد مناسب با مسائل پیچیده جهان امروزی است (<i>Provan & Milward, 1995</i>) 	<p>- میزان ضرورت و نیاز به استفاده از رویکرد شبکه‌ای در نظام خطمشی گذاری کارآفرینی درون دادها:</p> <p>- میزان پیچیده بودن، به هم مرتبط بودن و فرابخشی بودن مسائل در حوزه مورد نظر (کارآفرینی) و ضرورت اتخاذ رویکردهای سیستمی و بین بخشی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • سازمان‌ها به منظور حذف شکاف منابع و تخصص خود، به دنبال مشارکت با سایر سازمان‌ها می‌باشند (Stone, 2008) • بازیگران خطمشی‌گذاری چه خصوصی و چه دولتی به صورت انفرادی فاقد اطلاعات و دانش لازم برای حل مشکلات متنوع، پویا و پیچیده‌اند (Peterson, 2003) • ظهور جهانی که در آن فعالان و اثرگذاران متعددی حضور دارند و اغلب هم نقش فعالان غیردولتی بسیار مهم‌تر و پررنگ‌تر شده است، منجر به ایجاد شکاف عملیاتی می‌شود (Kim, 2016) • شکاف عملیاتی به این دلیل رخ می‌دهد که خطمشی‌گذاران و سازمان‌های دولتی از اطلاعات، دانش و ابزارهای لازم برای مواجهه با حوزه‌های بسیار پیچیده خطمشی‌گذاری بی‌بهره‌اند (Leider et al., 2015) • شبکه‌ها فعالان مختلفی را در فرآیند خطمشی‌گذاری دخالت می‌دهند و از این طریق مهارت‌ها و منابع موردنیاز خود را که در موفقیتشان حیاتی است، تأمین می‌کنند (Harris et al., 2016) • دولت‌ها با درگیر شدن در شبکه‌ها می‌توانند هدف مهم جذب دانش تخصصی در فرآیند خطمشی‌گذاری را برآورده کنند (Slaughter, 2004) 	<p>- میزان شکاف عملیاتی در نظام خطمشی‌گذاری موجود (میزان محدودیت نظام خطمشی‌گذاری موجود در تأمین منابع مالی، دانش اطلاعات و تخصص موردنیاز برای تدوین، اجرا و ارزیابی خطمشی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌ها، بدون مشارکت فعال بازیگران و ذینفعان، روزبه‌روز مشکل‌تر می‌شود (Slaughter, 2001) • ظهور جهانی که در آن فعالان و اثرگذاران متعددی حضور دارند و اغلب هم نقش فعالان غیردولتی بسیار مهم‌تر و پررنگ‌تر شده است، منجر به ایجاد شکاف مشارکت می‌شود (Resh et al., 2014) • شکاف مشارکت در نتیجه عدم توانایی در مشارکت دادن تعداد روزافزون فعالان غیردولتی در فرآیند خطمشی‌گذاری ایجاد می‌شود (Reimicke, 1997) • با ایجاد شبکه‌ها، گروه‌های ذینفع و سازمان‌های اجرایی در خطمشی‌گذاری دخالت داده می‌شوند. به خاطر شمارکت سازمان‌های مربوطه، پذیرش اجتماعی یک خطمشی بیشتر می‌شود (Kenis, 2003) 	<p>- میزان شکاف مشارکت در نظام خطمشی‌گذاری موجود (میزان توانایی نظام خطمشی‌گذاری موجود در مشارکت دادن فعالان غیردولتی در فرآیند خطمشی‌گذاری)</p> <p>- میزان اهمیت کسب مشروطیت اجتماعی-سیاسی در فرآیند خطمشی‌گذاری</p>	

شبکه خطمشی‌گذاری و خطمشی‌گذاری مبتنی بر شبکه

از آنجاکه قدرت در آینده قدرت دانش خواهد بود و دانش چه در سازمان و چه در جامعه به‌طور فزاینده‌ای در حال توزیع شدن است، ساختارهای سلسله‌مراتبی نمی‌توانند تضمین‌کننده موفقیت سازمان‌ها در راه نیل به اهداف خود باشند. از این‌رو، توجه به ذی‌نفعان مختلف و مشارکت آن‌ها از طریق حاکمیت شبکه‌ای به‌عنوان روش مناسب و جایگزین معرفی شده است (Chaiton et al., 2002: 5). این در حالی است که نظام

خطمشی گذاری ایران در حوزه کارآفرینی، بیشتر متمایل به رویکرد سلسله مراتبی بوده و آسیب‌های زیادی نیز از این منظر دیده است، به نظر می‌رسد زمان تغییر رویکرد فرارسیده است. بنابراین، بهره‌گیری از شبکه‌های خطمشی در حوزه کارآفرینی در فرایند خطمشی‌گذاری کارآفرینی، می‌تواند در راستای توسعه این صنعت سودآور بسیار مفید باشد. از طرفی لزوم بهره‌گیری از شبکه‌های خطمشی‌گذاری کارآفرینی در تاکید مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر لزوم شکل‌گیری اجماع نسبی نخبگان (اجرایی و فکری) در شکل‌گیری جامعه کارآفرینانه و بهبود فضای کسب‌وکار و وجود یک متولی مشخص برای هماهنگ‌سازی خطمشی‌ها و برنامه‌های مؤثر بر کارآفرینی در کشور، نیز یادآوری شده است (Deputy of Economic Research Committee, 2013). شبکه‌های خطمشی مراودات اجتماعی را تسهیل می‌کنند و هزینه‌های مبادلاتی را کاهش می‌دهند (Isett et al., 2011: 157-173). زمانی که خطمشی گذاری عمومی را توصیف می‌کنیم، واژه شبکه خطمشی ما را به مفهوم منافع درهم‌تنیده، روابط بین سازمانی و حکمرانی رهنمون می‌کند (Rhodes, 2006, pp. 423-45 and Yan, 2014: 122-126). شبکه‌های خطمشی از بازیگران مختلفی تشکیل شده‌اند که با یکدیگر در تعاملند تا بر خطمشی عمومی تأثیر بگذارند (Sabatier, 1999: 118) و به‌طور گسترده بر پویایی خطمشی و پیامدهای آن تأثیر می‌گذارند (Henry et al., 2011: 419). تعارض، همکاری و روابط قدرت سه جنبه مهم شبکه‌های خطمشی‌اند (Fischer, 2013: 6). به‌عبارت‌دیگر، شبکه‌ها در ایجاد همکاری بین سازمان‌ها به‌منظور تعیین راه‌حل‌های مشکلات سازمانی و افزایش درجه موفقیت افراد و سازمان‌ها در رسیدن به اهداف نقش اساسی دارند (Yan, 2014: 122). به‌طور خلاصه، این مفهوم به شیوه ارتباط افراد قدرتمندی که در وزارتوی سازمان‌های دولتی و خصوصی فعالیت دارند و یک حوزه خطمشی‌گذاری مشخص (مثل کارآفرینی یا آموزش) را اداره می‌کنند، اشاره دارد. معمولاً بوروکرات‌ها، خطمشی‌مداران، متخصصان، و نمایندگان گروه‌های ذی‌نفع با یکدیگر بر سر مسائل و مشکلات عمومی به بحث پرداخته و راه‌حلی را برای مقابله با آن‌ها ارائه می‌دهند باگذشت زمان، چنین ارتباطاتی باعث شکل‌گیری شبکه‌هایی از ارتباطات متقابل و انتظارات یکسان می‌شوند. محققان معمولاً به هر شبکه‌ای، مجموعه‌ای از خصوصیات نسبتاً ثابت از قبیل انواع مبادلات و یا مجموع ارزش‌هایی را نسبت می‌دهند که برحسب حوزه موردبررسی مثلاً خطمشی‌های مربوط به کارآفرینی، آموزش و یا کشاورزی متفاوت می‌باشند (Whitall, 2012). بر این اساس

نظام‌های خطمشی‌گذاری موفق کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از رویکردهای تکثرگرایان و مشارکت دادن ذینفعان و بازیگران اصلی در فرآیند تدوین، اجرا و ارزیابی خطمشی‌ها و کاستی‌های موجود در نظام‌های سنتی خطمشی‌گذاری را جبران نموده و از این طریق مشروعیت لازم را برای خطمشی‌های تدوین‌شده کسب نمایند. به این ترتیب می‌توان شبکه‌های خطمشی را مجموعه‌ای از روابط و وابستگی‌های بین نهادها، سازمان‌ها و مراجع ذی‌مدخل در یک حوزه توأم با روابط غیرسلسله‌مراتبی تعریف نمود (Ranay, 72: 2006). لیم در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که چگونه شبکه‌ها در سطح میکرو در حال ظهور و تکامل هستند و برای حل معضلات جمعی عمل می‌کنند که، مستلزم فرایندهای تصمیم‌گیری خطمشی‌های غیرمتمرکز و دموکراتیک است (Ingold & Leifeld, Lim et al, 2015). منظور از ساختار شبکه توجه به دو موضوع خلأ ساختاری^۱ (نبودن یا کمی ارتباطات بین فردی در درون سازمان و بین سازمانی و میزان تمرکزگرایی (ارتباطات در ارتباطات سازمانی و بین سازمانی) می‌باشد. در این تحقیق بیشتر، ارتباط میان سازمان‌های مرتبط با خطمشی‌های کارآفرینی مدنظر بوده است. کواک در سال ۲۰۱۶ تحقیق خود نشان می‌دهد که چطور ساختار شبکه به تغییرات در مسئله اساسی پاسخ می‌دهد و اینکه چگونه این تغییرات در ساختار شبکه پس‌از آن تأثیرات سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Kwak, 2016:19).

خطمشی کارآفرینی

توجه دولت‌ها به مقوله کارآفرینی و تلاش برای مداخله در این موضوع، پیشینه زیادی ندارد. ویژگی‌های جدید اقتصاد جهانی، به‌ویژه تنوع و تغییرات سریع در بازارها و افزایش عدم اطمینان در کسب‌وکارها که حاصل از پیشرفت فناوری است، موجب شده تا اهمیت سرمایه‌های غیر فیزیکی (نظیر سرمایه انسانی)، برای خلق ثروت افزایش یابد. دانش، به‌عنوان نیروی پیشران رشد اقتصادی، جایگزین سرمایه فیزیکی شده است. امروزه دیگر بنگاه‌های بزرگ هدایت‌کننده دانش جدید نیستند و جای خود را به افراد و بنگاه‌های کوچک داده‌اند. این تغییر جهت‌ها موجب شده که خطمشی‌های صنعتی سنتی (که در پی گسترش سرمایه‌گذاری‌های کلان و تولید انبوه و بنگاه‌های بزرگ بودند)، به‌مرور جای خود را به خطمشی‌های کارآفرینی (که تلاش در پیشبرد نوآوری و ایجاد کسب‌وکارهای پر رشد دارند)،

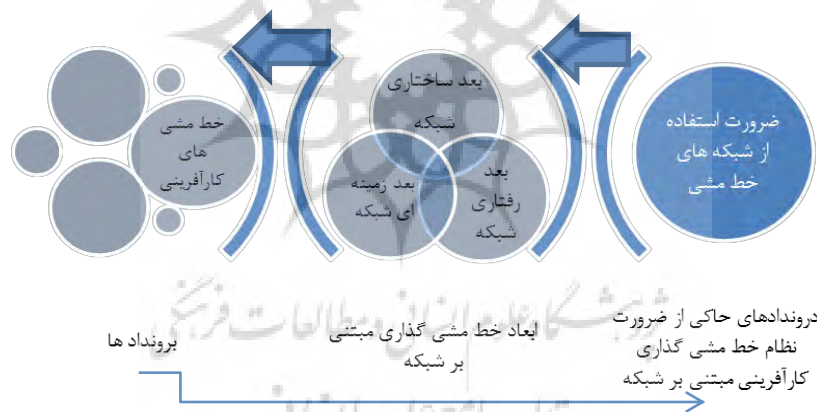
بدهند. کشورهای توسعه‌یافته که تاکنون اقتصاد مدیریت‌شده را دنبال می‌کردند، خود را در مسیر اقتصاد کارآفرینانه قرار داده‌اند.

تغییر جهت خط‌مشی‌های صنعتی ابتدا به شکل تمرکز بر SME ها با شعارهایی نظیر "کوچک زیباست" ظهور کرد. تشویق جامعه به کارآفرینی، پشتیبانی از آموزش‌های کارآفرینی و کاهش موانع مالی و مدیریتی برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید از جمله تلاش‌های اولیه دولت‌ها در این مرحله است. پس‌از آن، توجه خط‌مشی گذاران به اهمیت نوآوری در پایداری کسب‌وکارهای کوچک جلب شد و نسل دوم خط‌مشی‌های کارآفرینی، تمرکز بر تشویق نوآوری و انتقال فناوری از طریق استارت آپ های کوچک، پشتیبانی از ایجاد مراکز رشد و پارک‌های علمی و فناوری در نزدیکی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، شبکه‌سازی در میان پارک‌های علمی، تشویق همکاری میان بنگاه‌های کوچک نوآور و به‌طورکلی تقویت نظام‌های ملی، منطقه‌ای و بخشی نوآوری داشتند. دولت‌ها با تدوین راهبردها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عملی به‌منظور گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه، آموزش و مشاوره، ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت کارآفرینان در عرصه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی، رفع موانع، ایجاد ارتباط و همکاری بین آن‌ها و تسهیل دستیابی آنان به بازارهای جهانی در فراهم ساختن شرایط و تسهیلات لازم برای شروع فعالیت کارآفرینان نقش مؤثری در توسعه کارآفرینی ایفا می‌کنند (Lundström et al., 2017:942).

مدل سه‌شاخگی: در طراحی مدل اصلی تحقیق، مدل سه‌شاخگی به کار گرفته شد. دلیل به‌کارگیری این مدل امکان دسته‌بندی مناسب مؤلفه‌های شبکه خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی است. مدل مزبور ابزاری تحلیلی است که بر اساس آن می‌توان بسیاری از مفاهیم و پدیده‌های سازمانی را در سه حوزه ساختار، محتوا (رفتار) و زمینه (محیط) مطالعه و تجزیه و تحلیل کرد. ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای به نحوی است که هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند خارج از تعامل این سه‌شاخه انجام گیرد. درواقع، رابطه میان این سه‌شاخه یک رابطه تنگاتنگ ناگسستنی است که در عمل از هم جدایی‌ناپذیرند. به عبارتی بین سه‌شاخه به‌هیچ‌وجه سه‌گانگی حاکم نیست؛ بلکه سه‌گونگی حاکم است. تمایز و تشخیص این سه جنبه صرفاً نظری و به‌منظور تجزیه و تحلیل و شناخت مفاهیم پدیده‌هاست (Mirzai Ahrjani and Sarlak, 2005).

روش تحقیق

ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته است. پایایی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب (CR) سنجیده شد. روایی پرسشنامه نیز بر اساس روایی محتوا و قضاوت خبرگان تأیید شد. همچنین، برای تعیین روایی همگرایی، شاخص AVE محاسبه شد. نتایج حاکی از پایایی و روایی مناسب ابزار تحقیق است. همان‌طور که در توضیح مدل سه‌شاخگی گفته شد از این مدل برای دسته‌بندی کلیه عوامل مستخرج از ادبیات پژوهش و پیکره‌بندی مدل مفهومی (شکل ۱) تحقیق استفاده شد. علاوه بر سه بعد مدل سه‌شاخگی میزان ضرورت استفاده از شبکه‌های خط‌مشی به‌عنوان سازه درون‌داد در مدل تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.



برای اعتبارسنجی مدل مفهومی تحقیق، خبرگان و کارشناسان نهادها و سازمان‌های مرتبط با کارآفرینی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که تعداد این افراد حدود ۶۹۰ نفر تخمین زده شد، جامعه آماری را تشکیل دادند. همچنین، بر اساس فرمول کوکران و با میزان خطای در نظر گرفته شده ۰.۰۵، تعداد نهایی نمونه ۲۴۰ نفر محاسبه شد.

جدول ۲: روایی و پایایی ابزار تحقیق

شماره	سازه‌های تحقیق	آلفای کرونباخ ضریب پایایی	مرکب (CR) ضریب پایایی	AVE
۱	میزان ضرورت استفاده از شبکه‌های خطمشی	۰.۸۴	۰.۹۰	۰.۸۸
۲	بعد رفتاری شبکه	۰.۸۴	۰.۹۱	۰.۹۰
۳	بعد ساختاری شبکه	۰.۸۷	۰.۹۰	۰.۸۸
۴	بعد زمینه‌ای شبکه	۰.۸۷	۰.۹۲	۰.۹۱

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی: ابعاد و مؤلفه‌های مدل خطمشی گذاری شبکه‌ای کارآفرینی کدامند؟

پرسش‌های فرعی:

۱. مؤلفه‌های میزان ضرورت استفاده از شبکه‌های خطمشی گذاری در حوزه کارآفرینی کدامند؟
۲. مؤلفه‌های مهم بعد ساختاری شبکه خطمشی گذاری کارآفرینی کدامند؟
۳. مؤلفه‌های مهم بعد رفتاری شبکه خطمشی کارآفرینی کدامند؟
۴. مؤلفه‌های مهم بعد زمینه‌ای شبکه خطمشی کارآفرینی کدامند؟

یافته‌ها:

در نتیجه مرور مبانی نظری تحقیق، از مجموع کلی ۴۰ مؤلفه در هر چهار بعد موردپژوهش، ۱۲ مؤلفه در بعد ضرورت خطمشی گذاری شبکه‌ای مشخص شد که از این میان ۱۰ مؤلفه تأثیرگذار در خطمشی گذاری شبکه‌ای در حوزه کارآفرینی مشخص شد به علاوه در سه بعد عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای نیز در مجموع ۲۸ مؤلفه شناسایی شد. به منظور غنی‌سازی این مؤلفه‌ها، با چند تن از خبرگان نیز مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام گرفت. نتیجه این مصاحبه‌ها، استخراج ۵ مؤلفه جدید بود که طی مرور مبانی نظری موضوع به دست نیامده بود. با روش تحلیل تم^۱ و نیز ایده گرفتن از مدل سه‌شاخگی و مدل سیستمی، ۳۸ مؤلفه به دست آمده در قالب ۴ بعد اصلی دسته‌بندی شد و در نهایت، چارچوب مدل مفهومی تحقیق شکل گرفت. پس از اعتبارسنجی مدل مفهومی، با حذف هفت مؤلفه، ۳۱ مؤلفه در مدل نهایی باقی ماند.

به‌منظور اعتباربخشی مدل اولیه طراحی‌شده، مقادیر بارهای عاملی استاندارد شده مؤلفه‌ها محاسبه شد. با در نظر گرفتن اینکه مقادیر بارهای عاملی یا همان ضریب همبستگی بین متغیرهای مکنون و مشاهده‌شده، در صورتی که بیش از ۰.۳ باشد مناسب است، مؤلفه‌های کمتر از این مقدار حذف شدند.

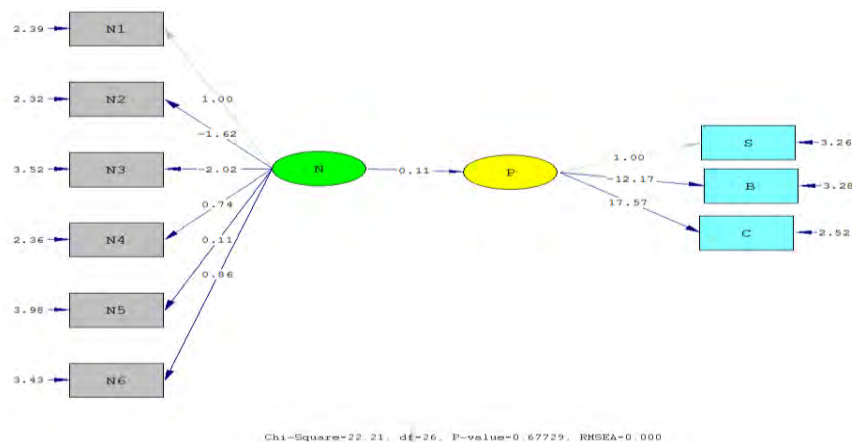
جدول ۳: بارهای عاملی به‌دست‌آمده برای مؤلفه‌های تحقیق

مقادیر بارهای عاملی	مؤلفه‌ها	ابعاد/عوامل	سازه
۰/۸۴ ۰/۸۵ ۰/۹۱ ۰/۷۸ ۰/۱۸ ۰/۹۸ ۰/۹۰	درجه تمرکز در ساختار نظام خط‌مشی‌گذاری S1 اهمیت سازوکارهای کنترلی در نظام خط‌مشی‌گذاری اندازه شبکه (تعداد بازیگران) پل‌های ساختاری (بازیگرانی که موجب ارتباط بازیگران با یکدیگر می‌شوند) S4 جایگاه سازمانی بازیگران شبکه (اشاره به موقعیت و رده سازمانی اعضای شبکه در بیرون شبکه دارد) وابستگی و منافع متقابل بین بازیگران شبکه خط‌مشی S6 نحوه تقسیم‌کار و هماهنگی بین بازیگران (سازمان‌دهی شبکه) S7	عوامل ساختاری (S)	عوامل تعیین‌کننده امکان استقرار مدل شبکه خط‌مشی کارآفرینی
۰/۸۲ ۰/۸۵ ۰/۹۰ ۰/۸۸ ۰/۸۵ ۰/۶۰ ۰/۹۰ ۰/۸۶	اعتماد بین مدیریت و اعضای شبکه رویکرد نظام خط‌مشی‌گذاری به مشارکت B2 مشوق‌های انگیزشی برای ارتقا مشارکت شناخت بازیگران در شبکه از یکدیگر شناخت بازیگران از شبکه میزان انسجام و پیوستگی بازیگران آرمان‌ها و گرایش‌های مشترک بازیگران ظرفیت جذب بازیگران	عوامل رفتاری (B) مدیریت شبکه بازیگران شبکه	
۰/۹۸ ۰/۸۵ ۰/۶۳ ۰/۹۱ ۰/۹۶ ۰/۹۸ ۰/۹۱	اهمیت بازیگران غیردولتی برای بازیگران دولتی وجود چهارچوب‌های قانونی لازم برای شکل‌گیری شبکه‌ها فراهم بودن زیرساخت‌های اطلاعات و ارتباطات C3 وجود ارزشها و فرهنگ مشوق و مروج همکاری C4 رویکرد دولت به شبکه‌های خط‌مشی کارآفرینی (ابزاری/ تعاملی / نهادی) نگاه دولت به کارآفرینی به‌عنوان راه حل مشکل بیکاری نقش گروه‌های ذینفوذ در خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی	ویژگی‌های زمینه‌ای (C)	
۰/۸۲ ۰/۹۰	- هماهنگی نامناسب بین سازمان‌ها و نهادهای دخیل در امر - ضعف نظام خط‌مشی‌گذاری سلسله‌مراتبی N2	دروندهای حاکی از ضرورت‌های بکارگیری	

۰/۹۵	- میزان پیچیده بودن، به هم مرتبط بودن و فرابخشی بودن مسائل در حوزه مورد نظر (کارآفرینی) و ضرورت اتخاذ رویکردهای سیستمی و بین بخشی N3	شبهه (N)
۰/۸۵	- میزان شکاف مشارکت در نظام خطمشی گذاری موجود (میزان توانایی نظام خطمشی گذاری موجود در مشارکت دادن فعالان غیردولتی در فرآیند خطمشی گذاری) N4- میزان اهمیت کسب مشروعیت اجتماعی-سیاسی در فرآیند خطمشی گذاری N5	
۰/۶۳	- میزان شکاف عملیاتی در نظام خطمشی گذاری موجود (توان نظام موجود در تأمین اطلاعات/ منابع مالی/ منابع فیزیکی مورد نیاز) N6	
۰/۷۳	- قابلیت‌ها و توانمندی های بخش خصوصی (ذینفعان و بازیگران) در فرآیند خطمشی گذاری N7	
۰/۷۸	- نیاز به افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها در فرآیند خطمشی گذاری N8	
۰/۴۵	- نیاز به ایجاد هماهنگی بین ذینفعان و بازیگران در حوزه خطمشی N9	
۰/۳۴	- نیاز به اتخاذ رویکردهای سیستمی و بین بخشی در حوزه خطمشی N10	
۰/۶۵		

برای تأیید روابط بین سازه‌ها مدل سازی معادلات ساختاری انجام گرفت. مدل یابی معادلات ساختاری^۱ یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به صورت هم زمان مورد آزمون قرار دهد. (Hooman, 2014,11). از نظر عادل آذر (۲۰۰۲) نیز یکی از قوی‌ترین و مناسب‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی، تجزیه و تحلیل چند متغیره است زیرا این گونه موضوعات چند متغیره بوده و نمی‌توان آن‌ها را با شیوه دو متغیری (که هر بار یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود) حل نمود (Azar, 2002). هدف از انجام مدل سازی معادلات ساختاری در این تحقیق، تبیین مدلی بر اساس داده‌های جمع آوری شده است که بتواند ارتباط اجزای مدل مفهومی را با محاسبه ضرایب مسیر و مقادیر بارعای عاملی به صورت همزمان و یکجا نشان دهد. نتایج تحلیل آماری توسط نرم افزار لیزرل نشان می‌دهد ارتباط معنی داری میان اجزای مدل وجود دارد. برای ارزیابی نیکویی برازش مدل یاد شده معیارهای مندرج در جدول ذیل به کار گرفته شده است. خروجی‌های نرم افزار لیزرل نشان دهنده برازش خوب مدل است.

1 Structural equation modeling: (SEM)



شکل ۲: آزمون مدل پژوهش در حالت استاندارد

جدول ۴: مقادیر به‌دست آمده برای ارزیابی نکویی برازش مدل

RMSEA	AGFI	GFI	CFI	NNFI	NFI	χ^2/df	
جذر برآورد واریانس خطای تقریب	شاخص تعدیل شده برازش	شاخص نکویی برازش	شاخص برازش تطبیقی	شاخص تاکر لوییس	شاخص بنتلر بونت	شاخص مجذور خی بر درجه آزادی	شاخص‌های برازش
۰/۰	۰/۹۰	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۸۵۴	مقادیر مدل
کوچک‌تر از ۰/۰۸	۰/۹ و بالاتر	۰/۹ و بالاتر	۰/۹ و بالاتر	۰/۹ و بالاتر	۰/۹ و بالاتر	۳ و کمتر	مقادیر مجاز

نتیجه‌گیری

در حالی که نظام خطمشی‌گذاری ایران در حوزه کارآفرینی، بیشتر متمایل به رویکرد سلسله‌مراتبی بوده و آسیب‌های زیادی نیز از این منظر دیده است، به نظر می‌رسد زمان تغییر رویکرد فرارسیده است. این مهم به خوبی در تاکید مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر لزوم شکل‌گیری اجماع نسبی نخبگان (اجرایی و فکری) در شکل‌گیری جامعه کارآفرینانه و بهبود فضای کسب‌وکار و وجود یک متولی مشخص برای هماهنگ‌سازی خطمشیها و برنامه‌های مؤثر بر کارآفرینی در کشور، نیز یادآوری شده است (Deputy of Economic Research Committee, 2013). رویکرد شبکه‌ای در فرایند خطمشی‌گذاری کارآفرینی که منجر به مشارکت دادن ذینفعان و بازیگران اصلی کارآفرینی و کسب مشروعیت لازم برای خطمشی‌های تدوین‌شده در این حوزه می‌شود، از جمله مکانیزم‌هایی است که بطور بالقوه

در بهبود فرایند خطمشی گذاری در حوزه کارآفرینی مؤثر می‌باشد. هدف پژوهش از انجام، طراحی و اعتبارسنجی مدل مناسب برای خطمشی گذاری شبکه‌ای در حوزه کارآفرینی است. بر این اساس، مدل تحقیق طراحی شده چهار بعد اصلی با عناوین درون داده‌های حاکی از ضرورت نظام خطمشی گذاری کارآفرینی مبتنی بر شبکه، بعد رفتاری شبکه خطمشی کارآفرینی، بعد ساختاری شبکه خطمشی کارآفرینی، بعد زمینه‌ای شبکه خطمشی کارآفرینی دارد.

از میان مؤلفه‌های جمع‌آوری شده برای بعد ساختاری شبکه خطمشی کارآفرینی، به ترتیب توان نظام خطمشی گذاری در توانمند سازی بازیگران شبکه و درجه تمرکز/عدم تمرکز در ساختار نظام خطمشی گذاری بیشترین تأثیر را در عملکرد شبکه داشتند. جایگاه سازمانی بازیگران شبکه، به‌عنوان مؤلفه مهم و تأثیرگذار در عملکرد شبکه خطمشی کارآفرینی شناخته نشد به این ترتیب می‌توان گفت برخی بازیگران به دلایلی مانند ویژگی‌های شخصیتی یا دانش و تخصص در زمینه‌ای خاص، نسبت به سایر بازیگران از قدرت و نفوذ بیشتری درون شبکه برخوردارند و نظراتشان با پذیرش از طرف اعضای شبکه روبرو می‌شود. در بعد رفتاری شبکه خطمشی کارآفرینی، مؤلفه‌ها به دو بخش رفتار مدیریت شبکه و رفتار بازیگران شبکه تقسیم شد. سبک مدیریت حاکم بر نظام خطمشی گذاری و مشوقهای انگیزشی برای ارتقا مشارکت به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها در رفتار مدیر شبکه و در بخش رفتار بازیگران شناخت بازیگران در شبکه از یکدیگر و شناخت بازیگران از شبکه تأثیر گذارترین مؤلفه‌ها بودند. همچنین سایر مؤلفه‌های رفتاری یعنی اعتماد بین اعضای شبکه، تعارض احتمالی بین بازیگران، علائم غیرکلامی و تعامل چهره به چهره، آرمان مشترک بین اعضا در زمینه توسعه کارآفرینی کشور و همکاری و روحیه تبادل سخاوتمندانه منابع بین اعضای شبکه، در عملکرد شبکه تأثیرگذار خواهند بود. توجه به این مؤلفه‌ها اهمیت دارد زیرا برای مثال، وجود تعارض بین برخی بازیگران، کیفیت روابط و درنهایت، عملکرد شبکه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

درباره بعد زمینه‌ای شبکه خطمشی کارآفرینی، رویکرد دولت به شبکه‌های خطمشی کارآفرینی (ابزاری/ تعاملی / نهادی) (C5)، مهم‌تر از سایر مؤلفه‌ها از نظر پاسخگویان تشخیص داده شده است. دولت در قبال شبکه خطمشی کارآفرینی می‌تواند بیشتر بر یکی از رویکردهای ابزاری، تعاملی و نهادی تأکید کند. تأکید بر هر یک از این رویکردها آثار و پیامدهای خاص خود را دارد. برای مثال، اگر دولت معتقد باشد که باید ابتکار عمل را در

زمینه خطمشی‌گذاری کارآفرینی در انحصار خود داشته باشد، در این صورت رویکرد ابزاری را اتخاذ خواهد کرد و شبکه خطمشی کارآفرینی به‌عنوان محملی برای دستیابی به اهداف دولت به کار خواهد گرفت. در چنین حالتی نمایندگان دولت در شبکه خطمشی کارآفرینی، به‌عنوان بازیگران اصلی شبکه به حساب خواهند آمد. همچنین در میان سایر مؤلفه‌های زمینه‌ای، نقش گروه‌های ذینفوذ در خطمشی‌گذاری کارآفرینی (C7) و اهمیت بازیگران غیردولتی برای بازیگران دولتی (C1) در بخش کارآفرینی کشور، در بین سایر مؤلفه‌ها از نظر پاسخگویان مهم تشخیص داده شدند، زیرا به طور مستقیم یا غیرمستقیم عملکرد شبکه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و بر تصمیم‌ها بازیگران شبکه اثر می‌گذارند.

در بررسی مؤلفه‌های بدست آمده در بعد "ضرورت بکارگیری نظام خطمشی‌گذاری شبکه‌ای" (N) مشاهده شد که علی‌رغم پیچیده بودن و فرابخشی بودن مسائل در حوزه کارآفرینی (N3)، به دلیل بالا بودن میزان شکاف مشارکت در نظام خطمشی‌گذاری موجود (N4)، ایجاد هماهنگی بین ذینفعان و بازیگران در حوزه خطمشی‌گذاری شبکه‌ای (N9)، به سختی صورت گرفته و اتخاذ خطمشی‌ها با رویکردهای شبکه‌ای و بین‌بخشی برای کارآفرینی محقق نخواهد شد. در چنین حالتی می‌توان پیش‌بینی کرد که کسب مشروعیت اجتماعی در فرآیند خطمشی‌گذاری و التزام عملی نهادها و سازمان‌های بخش عمومی برای توسعه کارآفرینی، در عمل صورت نگیرد. از این رو، به دولت پیشنهاد می‌شود برای شروع کار با اتخاذ رویکرد ابزاری، ابتکار عمل را در دست گیرد و نسبت به تشکیل شبکه خطمشی کارآفرینی که دسته کم دستگاه‌های دولتی ذیربط عضو این شبکه باشند، اقدام کند و در مراحل بعدی با گسترده‌تر شدن دامنه شبکه و عضویت سایر دستگاه‌های بخش عمومی، خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، به رویکرد تعاملی یا رویکرد نهادی تغییر موضع دهد.

در مجموع با توجه به مؤلفه قابلیت‌ها و توانمندی‌های بخش خصوصی (ذینفعان و بازیگران عرصه کارآفرینی) در زمینه دانش تخصصی و تجربی، پیشنهاد می‌شود که از نظرات و تجربیات این بخش در فرآیند تدوین خطمشی و شناسایی مشکلات و روش‌های تسهیل فرایندهای استارت‌آپی، استفاده شود. به این ترتیب خطمشی‌گذاری در حوزه کارآفرینی با کارایی (N8) و مشروعیت اجتماعی - سیاسی (N5) بیشتر از طریق استفاده شبکه خطمشی کارآفرینی میسر می‌گردد.

References

- 1-Azar, A., Momeni, M. (2002), Statistics and its Application in Management, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Tehran University. (In Persian)
- 2-Alvani, S. M. and Sharifzadeh F., (2006) Policy Making Process, Allameh Tabataba'i University Press (RA), Fourth Edition, (In Persian)
- Alvani, S.M. & Danayifard, H. (2001). Discussions on governmental organizations theories. Saffar Publications. (In Persian)
- 3-Borg, R., Toikka, A., & Primmer, E. (2015). Social capital and governance: a social network analysis of forest biodiversity collaboration in Central Finland. *Forest Policy and Economics*, 50, pp. 90-97.
- 4-Chaiton, A., Dibbits, T., Paquet, G., Roy, J., & Wilson, C. (2002) The Collaborative Challenges OF Regional Governance, policy issues for Canada and beyond, p.111
- 5-Fischer, M. (2013). Policy network structures, institutional context, and policy change. Post- doctoral researcher, Swiss institute for aquatic science and technology, Department of environmental social sciences.
- 6-Frederickson, H. G. (1997). *The Spirit of Public Administration*. San Francisco: Jossey-Bass.
- 7-GEI (2018). <https://thegedi.org/global-entrepreneurship-and-development-index>.
- 8-Harris, J. K., Leider, J. P., Carothers, B. J., Castrucci, B. C., & Hearne, S. (2016). Multisector Health Policy Networks in 15 Large US Cities. *Journal of Public Health Management and Practice*, 22(6), 520–528. <http://doi.org/10.1097/PHH.0000000000000401>
- 9-Hooman, H. A., (2014) *Structural Equation Modeling Using LaserL Software*, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities, (In Persian)
- 10-Henry, A. D., Lubell, M., & McCoy, M. (2011). Belief systems and social capital as drivers of policy network structure: The case of California regional planning. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 21(3), pp. 419-444.
- 11-Isett, K. R., Mergel, I. A., LeRoux, K., Mischen, P. A., & Rethemeyer, R. K. (2011). Networks in public administration scholarship: Understanding where we are and where we need to go. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 21(1), pp.157-173.
- 12-Ingold, K., & Leifeld, P. (2018). Structural and Institutional Determinants of Influence Reputation : A Comparison of Collaborative and Adversarial Policy Networks in Decision Making and Implementation, (May), 1–18. <http://doi.org/10.1093/jopart/muu043>
- 13-Jakobi, A. P. (2009) *Policy Networks in Comparative Politics and International Relations: Perspectives, Typologies and Functions*. Retrieved March 31st 2015, from <http://www.econstor>.

eu/bitstream/10419/27916/1/60506282X.PDF.

14-Kenis, P. (2003) Why do Community-Based Organizations Co-ordinate at the Global Level? In Ronit, K. & Schneider, V. (eds). Private Organizations in Global Politics. London: Routledge.

15-Kim, K. (2016). How Do Public Policy Processes Influence Public Fiscal Choices Tax Politics and Policy Outcomes? Retrieved: http://purl.flvc.org/fdu/fdu_FSU_FA2016_Kim_fsu_0071E_13599

16-Kwak, C. -G. (2016). Understanding Network Change and Its Impact on Policy Performance: Policy Networks, EECBG Grants, Local Networks and "Green Development" in Florida. Retrieved from: http://purl.flvc.org/fdu/fdu_FSU_2016SP_KWAK_fsu_0071E_13013

17-Leider, J. P., Castrucci, B. C., Harris, J. K., & Hearne, S. (2015). The Relationship of Policymaking and Networking Characteristics among Leaders of Large Urban Health Departments. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 12(8), 9169–9180. <http://doi.org/10.3390/ijerph120809169>

18-Lim, Seunghoo, Berry, Frances Stokes, Lee, Keon-Hyung, Barrilleaux, Charles J., Brower, Ralph S., (2015). Florida State University, College of Social Sciences and Public Policy, School of Public Administration and Policy . Three Essays on Policy Network Ties in the Dynamic Process of Conflict Resolution, Retrieved from http://purl.flvc.org/fdu/fdu_FSU_2016SP_KWAK_fsu_0071E_13013

19-Lundström, A., Vikström, P., Fink, M., Meuleman*, M., Głodek, P., Storey, D., & Kroksgård, A. (2017). Measuring the Costs and Coverage of SME and Entrepreneurship Policy: A Pioneering Study. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 38(4), 941–957. <http://doi.org/10.1111/etap.12037>

20-Mirzai Ahrandani, H. And Sarlak, M., (2005). A look at organizational epistemology: the evolution, schools and management applications. *Quantum Peak Light*, 3. (In Persian)

21-Monitoring and Improving the Entrepreneurship System of Iran (2016) Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, Entrepreneurship Development and Entrepreneurship Development Entrepreneurship Dept. (In Persian)

22-OECD (2017). Promoting entrepreneurship in South Eastern Europe: Policies and tools. Retrieved from <http://www.oecd.org>.

23-Provan, K.G. & Milward, H.B. (1995)."A preliminary theory of interorganizational network effectieness"; a comparative study of four community mental health systems. *Administrative science quarterly*, 40(1), pp.1-33.

24-Peterson, J. (2003) Policy Networks. Retrieved March 17th 2015, from http://www.ihs.ac.at/publications/pol/pw_90.pdf.

- 25-Ra'naee, H. (2006). Examining the possibility of policy-making networks in policy making system: a study on policymaking system for agricultural researches, Ph.D. thesis. (In Persian)
- 26-Reinicke, W. H. (1997) Global Public Policy. *Foreign Affairs* 76(1), pp.127-138.
- 27-Resh, W., Siddiki, S., & McConnell, W. R. (2014). Does the network centrality of government actors matter? Examining the role of government organizations in aquaculture partnerships. *Review of Policy Research*, 31, 584
- 28-Deputy of Economic Research Committee in Islamic Republic of Iran's Parliament, (2013), Report on "Reviewing and Comparing the Requirements and Laws of Entrepreneurship and Business in Iran and USA". (In Persian)
- 29-Rhodes, R., Moran, M., & Goodin, R. (2006). Policy network analysis. *The Oxford Handbook of Public Policy* , pp.423-45
- 30-Sabatier, P. A., & Jenkins-Smith, H. C. (1999). The advocacy coalition framework: An assessment. *Theories of the policy process*, Boulder, CO Westview Press.
- 31-Slaughter, A. (2001) Global Government Networks, Global Information Agencies, and Disaggregated Democracy. Retrieved April 31st 2015, from: <https://www.princeton.edu/~slaught/Articles/GlobalNetworks.pdf>.
- 32-Slaughter, A. (2004) A New World Order. Princeton: Princeton University Press.
- 33-Stone, D. (2008) Global Public Policy, Transnational Policy Communities, and Their Networks. *The Policy Studies Journal*. 36(1). 19-38.
- 34-Sharifzadeh, F., Kamali, M. J., (2008) A Model for Networking Policies in Naja, *Journal of Science and Research, Knowledge Enforcement*, Year 10, Number 3 and 4, Autumn and Winter, (In Persian)
- 35-Whitall, D.R. (2007). Network analysis of shared governance system. A thesis Doctor of philosophy in public administration and policy, Portland State University.
- 36-Whitall, D. R. (2012, January). Sustaining communities of practice, place and culture through shared governance. In *Leadership in Sustainable Development Conference*, Portland State University, OR, viewed (Vol. 18).
- 37-Yan, W., and G. Yin. (2014). "A Review of Policy Network Theory." *The Journal of Yunnan Administration College* 2, pp:122-126.
- 38-Yi, H. (2012). Policy Networks, Environmental Impacts and Economic Consequences of Clean Energy in the U.S.: A National, State and Local Investigation. Retrieved from http://purl.flvc.org/fsu/fd/FSU_migr_etd-5291